

تفسیر روان و ساده قرآن کریم  
قسمت هفدهم، سوره حمد

# ذکر کتاب

درس گفتارهای  
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



موسسه فرهنگی

شماره ثبت: ۱۳۶۰

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا  
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ  
الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي  
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ  
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

### مقدمه

در محضر شما عزیزان که سلام و درود خدا بر شما باد،  
تفسیر روان و آسان قرآن کریم را تقدیم می‌کردیم.  
سوره حمد تمام شد. دوباره به سوره حمد بازگشتیم تا  
نکات کاربردی و سایر نکاتی را که نیاز بود، تقدیم کنیم.  
رسیدیم به آیه شریفه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». این  
آیه، نکات بسیار خوب و کاربردی دارد. چند مورد از آنها  
را محضرتان عرض می‌کنم.

### اعلام عبودیت و استعانت

وقتی می‌گوییم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، اینکه با  
واو، عطف می‌شود، یعنی خدایا ما اعلام عبودیت  
می‌کنیم. می‌خواهیم به سوی تو حرکت کنیم.  
می‌خواهیم بنده تو باشیم.

«وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». واو عطف، نشان دهنده این است که همزمان با اعلام عبودیت، باید درخواست استعانت هم داشته باشیم.

### اعلام عجز

ما از خدا کمک می‌خواهیم، برای اینکه عبد او بشویم. در عین اعلام عبودیت، داریم اعلام عجز هم می‌کنیم. عطف «وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، این مطلب را می‌رساند که حواسمان باشد، هیچ‌وقت به خودمان غرّه نشویم. اینکه ما می‌توانیم عبد خدا بشویم یا من عبد خدا هستم، اینها همه غلط است.

هنگام اعلام عبودیت، نگران باشیم که مبدا نتوانیم. توجه داشتن به عجز خود در عبودیت، خیلی خوب است.

کسی که در عبودیت، به عجز خودش توجه نداشته باشد، شاید دچار غرور و کج‌روی بشود. فکر می‌کند این کارش بندگی خداست و خدا قبول دارد.

انسان، موقع اعلام عبودیت، باید نگران باشد. بگوید خدایا، من اعلام عبودیت می‌کنم، می‌خواهم به سوی تو حرکت کنم، اما عاجزم تو کمک کن. این اظهار عجز، باعث می‌شود که انسان با احتیاط، قدم بردارد.

تصور نکند، آنچه خود فکر می‌کند درست است. دقت کند، ببیند واقعاً این عبودیت خدا هست یا نیست.

متأسفانه گاهی انسان فکر می‌کند کارهایش درست است. آدمی باید نگران باشد که آیا می‌توانم عبد خدا باشم یا نه؟ این نگرانی باعث می‌شود که انسان همیشه قبل از هر اقدامی، حرکات خود را کنترل کند. از خدا کمک بگیرد. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». خدایا از تو کمک می‌خواهم. کمک کن. مسیر عبودیت، موانعی دارد. کمک کن. خدایا چه کار کنم که عبد تو باشم؟

### استعانت از صبر و نماز

خدا در قرآن مجید می‌فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵). تو برای عبودیت از من کمک خواستی، من به تو خواهم گفت که چگونه خود را در مسیر بندگی قرار بده. «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» می‌گویند مراد از صبر در اینجا روزه است.

از صبر و نماز کمک بخواه. اگر می‌خواهی در مسیر عبودیت قرار بگیری، روزه بگیر، نماز بخوان، اما نه هر روزه و نمازی. درست روزه بگیر. معنای روزه را بفهم.

### فلسفه روزه

روزه، برای این است که مقاومت تو را در برابر نفس‌ت بالا ببرد. خواهیم گفت که چرا حرکت در مسیر عبودیت سخت است و ما باید از خدا کمک بگیریم. یکی از موانع، نفس است. خدایا، نفسم نمی‌گذارد. با اینکه می‌دانم این کار، کار بدی است.

مخالفت با عبودیت خدا، نیز خلاف عبودیت است. اما  
 نفسم به من می‌گوید انجام بده، چه کارش کنم؟  
 خدا می‌فرماید اگر می‌خواهی حریف نفست بشوی،  
 «اَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ». روزه بگیر. روزه گرفتن، اراده تو را  
 قوی می‌کند. روزه گرفتن، تو را در مقابل هوای نفست،  
 قوی می‌کند. اصلاً فلسفه روزه همین است که انسان  
 یک مدتی در روز، مقابل نفستش بایستد. نفستش آب و  
 غذا می‌خواهد. خیلی چیزها می‌خواهد، بگوید نه، نه،  
 نه، نه. نفستش را رام کند.

### یاری گرفتن از نماز

«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؛ از نماز یاری بگیر. نماز  
 می‌تواند به تو کمک کند.

خدا به وسیله نماز، به انسان کمک می‌کند. اما [به  
 شرط اینکه] درست نماز بخواند و بفهمد چرا رو به قبله  
 می‌ایستد، چرا وضو می‌گیرد. اگر حرکات و سکنات نماز  
 را بتواند درست تحلیل و گد‌های آن را باز کند، این نماز،  
 به انسان کمک می‌کند تا بتواند در مسیر عبودیت  
 حرکت کند.

«إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» خدایا، تنها از تو کمک می‌خواهم.  
 هیچ‌کس نمی‌تواند کمکم کند. فقط تو می‌توانی کمکم  
 کنی. چرا؟ چون من عاجزم. در مقابل چه چیزی عاجزم؟

اولاً در مقابلِ نفسِ عاجزِ من. نفسِ یکِ دشمنِ درونیِ خانگیِ قوی است.

خانگی باشد اگر دُزد به صد تدبیر

نتوان کرد، از آن خانه نگهبانی

اینجا چکار کنم؟ در بعضی از دعاها می‌گوییم: خدایا «و اَعِنِّي عَلَى نَفْسِي»؛ کمک کن تا حریفِ خودم بشوم.

### درخواست کمک در مناجات

در مناجاتِ خمسهِ عشر، امام سجاد علیه السلام شکایت می‌کند:

«إِلٰهِ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً، وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً، وَ بِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً» (مفاتیح الجنان؛ مناجاة الشاکین). خدایا، من شکایتِ نفسِ من را به تو می‌کنم؛ این نفسِ اذیت‌م می‌کند. هوایِ نفسِ من، شهوتم، خواهش‌های حیوانی‌ام، خیلی اذیت‌م می‌کنند. کمک کن تا این خواهش‌های خودم را کنترل کنم و آنها را سر جای‌شان بنشانم.

### توجه به عجزِ خودمان و وجودِ موانع

وقتی می‌گوییم «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، در حال اعلامِ عبودیت، باید هم به عجزِ خودمان توجه داشته باشیم و هم به موانعِ سرِ راه. من عاجزِ من، چون ممکن است از موانعِ سرِ راهم، نتوانم عبور کنم. «تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ

**الْمَهَالِكُ**» (مناجاة الشاکین). نفس من همیشه شیطنت می کند. می خواهد برود به سمت انحرافات. کمکم کن. خدایا، من می خواهم بندۀ تو باشم، اما یک جاهایی که می خواهم بندگی کنم، وسوسۀ شیاطین نمی گذارد. [می گوید] این مال و قیافه، چشمگیر و جذاب است. این لباس اینجوری است و... . شیطان می خواهد مقاومت را در مقابل نفسم بشکند. آن وقت اینها در مقابل من، یک تیم می شوند.

من تنها، کسی را جز تو ندارم. تو کمکم کن. تو همراه من باش. کمکم کن بتوانم علیه تیمی که مُرکّب از نفس اماره و شیطان و طاغوت‌هاست، پیروز شوم.

### یاری خواستن از خدا برای غلبه بر موانع اجتماعی

خدایا، من می خواهم بندگی کنم، اما شیاطینِ انس، نمی گذارند. کسانی که تفکرشان شیطانی و نگاهشان مادی است، مانند دوستانم در کلاس، در دانشگاه، در مجالس، بعضی از فامیل‌ها، نمی گذارند من بندگی کنم. تو فرمودی مثلاً حجاب داشته باش، اما دوستانم مَسخره‌ام می کنند، چه کار کنم؟ کمکم کن که من با توکل به تو، با تکیه بر تو، اعتماد به نفس داشته باشم. بتوانم بر اینها خُرده بگیرم که شما چرا حجابتان کامل نیست؟

این طور نباشد که آنها، مرا ضعیف ببینند که بتوانند بر من تأثیر بگذارند. من با تکیه بر تو، بتوانم فضا را عوض کنم.

### موانع رشد؛ طاغوت‌ها

یکی دیگر از موانعی که سر راه ما هست، طاغوت‌ها هستند. کسی که بخواهد اعلام عبودیت بکند و پرچم توحید را بلند بکند، طاغوت‌ها نمی‌گذارند.

وقتی ملت ایران پرچم انقلاب را بلند کردند، دشمنان کشور، تلاش‌های بسیاری کردند. کشورهای اروپایی و استکبار جهانی و دو ابرقدرت آن روز، چقدر تلاش کردند که جلوی حرکت این ملت به سوی ظهور را بگیرند. خدایا، اینها هم نیاز دارد که تو به ما کمک بکنی.

در یک جمع فامیلی یا یک مجلسی، گاهی کسی می‌خواهد بگوید این آهنگِ مُطرب و حرام را پخش نکنید. اینجا اگر انسان عاجز باشد و اعتماد به نفس نداشته باشد، تکیه بر خدا نکند، ممکن است قافیه را ببازد. در اینگونه موارد، یا انسان باید در جهت بندگی خدا، در مجلس بنشیند و آن را مدیریت کند یا از این جمع بیرون برود.

اینها همه بندگی خداست. بندگی خدا، فقط سر سجاده نیست. همه عرصه‌های زندگی، محراب عبادت است برای بندگی خدا.

## کمک از خدا و غلبه بر عجب

«إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یعنی خدایا عاجزم، از تو کمک می‌خواهم، تا تو کمکم نکنی، نمی‌توانم. اگر انسان بخواهد کار خوبی انجام دهد و به درگاه الهی اظهار عجز کند، عجب او را نمی‌گیرد. می‌گوید: خدایا کمکم کن. من بدون کمک خدا نمی‌توانستم کار خوب انجام دهم. این خدا بود که کمکم کرد. اگر در جایی کار خوبی انجام دادم، نمی‌گویم من بودم، می‌گویم خدا بود.

مردم می‌گویند شما چقدر خوبید! می‌گویم من نیستم، خداست. می‌گویند شما چقدر خوب می‌فهمی! می‌گویم من نیستم، خداست. می‌گویند شما چقدر خوب حرف می‌زنی! می‌گویم من نیستم، خداست. می‌گویند شما چه غذای خوبی پختی! می‌گویم من نیستم، همه‌اش خداست. اگر خدا یک لحظه عنایتش را بردارد، ما به هم می‌ریزیم. «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ انسان باید بداند که هیچ کاری، بدون استعانت خدا، نمی‌تواند انجام دهد.

## تفاوت صراط با سایر راه‌ها

خدایا کمک کن. اولین کاری که باید برای کمک به من انجام بدهی، «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». مرا به راه مستقیم هدایت کن.

ما یک سبیل داریم، یک طریق داریم، یک صراط. تفاوت این‌ها چیست؟

طریق، راهی است بین نقطه‌ای تا نقطه مقصد. چه این راه ساخته شده باشد یا نشده باشد. مثلاً کسی که می‌پرسد فلان شهر از کدام طرف است؟ می‌گویند از سمت جنوب است. هیچ نشانه و چیزی هم نیست.

سبیل چیست؟ راهی بین مثلاً قم تا تهران باز شده و یک عده‌ای از این مسیر رفته‌اند، که اگر نگاه کنی، می‌بینی و لو هیچ جاده‌ای هم نباشد.

صراط چیست؟ صراط، راه تسطیح شده آماده شده علامت‌گذاری شده است. امروزه به آن، اتوبان یا آزادراه می‌گویند.

صراط با راه، چه تفاوتی دارد؟ در راه، شما می‌توانی از جاده منحرف شوی و از هر طرف خواستی بروی. حالا چه جاده باشد یا نباشد. اما در صراط، شما نمی‌توانی از بزرگراه منحرف شوی. این بزرگراه، یکسره تو را به مقصد می‌رساند. به‌گونه‌ای ساخته‌اند که راه‌های انحرافی وجود نداشته باشد. آن‌قدر مسیر روشن و واضح است که هیچکس راه را گم نمی‌کند. در طریق، قطعاً راه را گم می‌کنی. در سبیل، ممکن است راه را گم کنی، اما در صراط، اصلاً راه را گم نمی‌کنی. ما یک سبیل داریم، یک طریق داریم، یک صراط.

اگر به شما بزرگراه نشان بدهند، قطعاً نگاه نمی‌کنی که راه دیگری وجود داشته باشد که بخواهی در آن مسیر بروی و راه را گم کنی. آیا چنین راهی وجود دارد؟ بله، در روایات داریم صراط علی بن ابی طالب، راهی که علی برای بشریت، به سوی خدا باز کرده. راه علی، راه ولایت است. صراط مستقیم و اتوبان و بزرگراهی است که ولایت برای ما ایجاد کرد.

### پیوستگی با ولایت

اگر ولایت مدار باشی، منحرف نمی‌شوی. اگر ولایت مدار باشی، در حرکت به سوی خدا، مثل حرکت در بزرگراه‌ها، هرگز منحرف نمی‌شوی. امکان انحراف وجود ندارد. صراط این است. پس اگر بخواهی در صراط قرار بگیری، باید چطور حرکت کنی؟

اینجا بین قم و تهران یک اتوبان هست. اما ممکن است کسی بخواهد پیاده برود، از یک مسیر دیگر برود. یا مثلاً از مسیر پیاده‌رو برود. اما اگر از اتوبان رفت، هم زودتر می‌رسد و هم هیچ وقت گم نمی‌شود، هم خسته نمی‌شود. راه حرکت به سوی خدا، این طوری است.

گاهی انسان سرش را پایین می‌اندازد و می‌گوید بگذار جدای از جامعه باشم، کاری با سیاست نداشته باشم، قطعاً گم می‌شود. قطعاً دچار خطرات زیادی می‌شود. اما وقتی از اتوبان رفت، گم نمی‌شود. اتوبان چیست؟

این که همراه با جمع باشد. راهی که همه دارند می‌روند، انسان در کنار ولایت باشد. ولایت مدار باشد. نماز خواندن و انفاق کردن یک سبیل است. کسی که نماز می‌خواند و انفاق می‌کند، یعنی دارد به سوی خدا می‌رود. اما می‌تواند این سبیل را در خارج از اتوبان قرار بدهد. از خارج از اتوبان برود که در دسرهای خود را دارد. اگر این سبیل را در اتوبان قرار داد، اتوبان، باندهای مختلفی دارد. این باندها هر کدام یک سبیل است. نماز، روزه، زکات و انفاق هر کدام سبیل هستند. اگر آمدی در سبیل‌هایی که سُبُل الله بود و در صراط بود، اینجا کاملاً امن است. حتماً می‌رسی. یعنی چه؟

با توجه به اینکه صراط مستقیم، صراط علی بن ابی طالب است. صراط ولایت است. اگر نماز و انفاق، رنگ و بوی ولایی داشت، قطعاً به خدا می‌رسی.

### توجه به نیت انفاق

یعنی حواست بود که چرا من دارم انفاق می‌کنم؟ چون این جامعه، جامعه ولایی است. تا مبادا شیاطین در این جامعه ولایی، ذهن‌ها را منحرف کنند. بگویند این جامعه نتوانسته است، شرایط زندگی را برای شما فراهم کند.

پس تا جایی که می‌توانم انفاق می‌کنم تا شرایط زندگی در جامعه ولایی و دینی، برای همه فراهم شود. دشمن

هم نتواند روی ذهن آنها کار کند و به خاطر معیشت، آنان را نسبت به جامعه ولایی بدبین کند. اگر انفاقی که می‌کنم، چنین رنگ و بویی داشته باشد، قطعاً مرا با سرعت می‌رساند.

[مقایسه کنید این انفاق را با] کسی که انفاق می‌کند برای اینکه بگوید من برای آخرتم انفاق و سرمایه‌گذاری می‌کنم. این مثل کسی است که، [با وجود] اتوبان بین قم و تهران، می‌خواهد پیاده از کنار رودخانه یا از بیابان، برود تهران. آیا به مقصد می‌رسد؟ کی می‌رسد؟ اما کسی که در اتوبان سوار ماشین شد، با سرعت می‌رسد، ان شاء الله با امنیت می‌رسد.

### تأثیرات نماز و انفاق با بوی و رنگ ولایی

انفاق و نمازی که رنگ و بوی ولایی داشته باشد و در صراط مستقیم باشد، ما را به خدا می‌رساند. اما اگر خارج از صراط مستقیم بود، هرگز ما را به خدا نمی‌رساند، بلکه به قهقرا می‌رساند. پس هر نماز، انفاق، زکات، حج و هر اخلاق خوبی، ما را به خدا نمی‌رساند.

هر عبادت، اخلاق خوب و هر فضیلتی که می‌خواهیم از طریق آن به خدا برسیم، باید در صراط مستقیم باشد. باید رنگ و بوی ولایت داشته باشد.

مثلاً می‌خواهم نماز جماعت بروم. یک وقت می‌گویم بروم نماز جماعت، ثواب ببرم. این می‌شود سبیل.

راهی که معلوم نیست، برسد یا نرسد. اما می‌خواهم نماز جماعت بروم، تا پشت سر امام بودن و تبعیت از امام را تمرین کنم. می‌خواهم بروم تا نظام سیاسی اجتماعی اسلامی را در نماز جماعت برقرار کنم. باید این مسئله برای من تداعی شود که باید پشت سر امام باشم و از او تبعیت کنم. همراه با جمع باشم، علیه ابرقدرت‌ها و طاغوت‌های زمان شعار بدهم. چون در نماز جماعت شعار مرگ بر آمریکا گفته می‌شود. در خانه نمی‌توانم شعار بدهم. اگر هم شعار بدهم عیبی ندارد، ولی وقتی یک نفر هستم، این شعار خیلی لذت ندارد؛ به خلاف وقتی که جماعت می‌گویند مرگ بر آمریکا. من برای لذت مرگ بر آمریکا گفتن، به نماز جماعت می‌روم. این خیلی عالی است.

این می‌شود نمازی که در صراط است. «**صِرَاطَ الْمُسْتَقِيمِ**» یعنی راه روشن و امنی که علامت‌گذاری شده است. گاردریل‌ها و جدول‌ها کنار جاده هست و نمی‌گذارد منحرف شوی.

نمازت را در این مسیر بخوان، انفاق را در این مسیر بده. هر کاری که می‌کنی، در این مسیر باشد، خارج از اتوبان نباشد. این می‌شود صراط مستقیم.

کسی که این‌طوری حرکت کند، هیچ‌وقت گمراه نمی‌شود. این راه علی است. «**صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ**». راه علی ابن ابی‌طالب و راه ولایت، تو را به علی

می‌رساند و تو اگر در مسیر علی بودی، دستت در دست علی است. وقتی در صراط مستقیم بودی، عنایت حضرت با تو هست. نمی‌گذارد منحرف شوی، دستت را می‌گیرد.

### انحراف از صراط

تمام کسانی که منحرف شدند، در صراط نبودند. اگر سر از بیراهه درآوردند، در صراط نبودند، ولو آنکه مرجع تقلید بوده. خیلی از شخصیت‌های سیاسی اول انقلاب، ممکن است کارهای خوبی کرده باشند، اما اگر کار خوب ما، برای خودمان و آخرتمان و پرستیژمان و اعتبار اجتماعی‌مان باشد، اینها خارج از صراط هست.

در صورتی کارهای خوب و جهت‌گیری‌های انسان در صراط مستقیم قرار می‌گیرد که رنگ و بوی ولایی داشته باشد. در مسیر خدا باشد. رنگ و طعم و جهت‌گیری ولایی داشته باشد. اینها خیلی مهم است.

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (حمد: ۷). راه کسانی که به آنها نعمت دادی و این نعمت را در راه تو و در راه تحقق حاکمیت دینی در جامعه و جهان استفاده کردند. نه راه کسانی که نعمت به آنها دادی [اما آنها در خلاف جهتی که خدا می‌خواست استفاده کردند].

## استفاده نادرست از نعمت‌ها

خدا به یهودی‌ها خیلی نعمت داد. «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۴۷). یادتان باشد ای بنی اسرائیل، ما زمانی شما را از نظر مادی، برتری و تفضیل دادیم بر همه مردم. امکاناتی که به شما دادیم، به هیچ کس ندادیم. اما شما از امکاناتی که در اختیارتان قرار دادیم، در جهت ضربه زدن به حاکمیت دینی جهانی امام عصر در آخرالزمان استفاده کردید. نعمت دادیم، اما آن را در خلاف جهتی که ما خواستیم استفاده کردید. ما بر شما غضب کردیم. «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ».

«غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» صفت، انعمت علیهم است، «وَلَا الضَّالِّينَ» هم همین طور. یعنی نه راه کسانی که به آنها نعمت دادی و غضب کردی بر آنها، و نه راه کسانی که نعمت دادی و گمراه شدند.

پس یک عده از این نعمت درست استفاده کردند. کسانی که در جهت تحقق حاکمیت دینی در جامعه و جهان تلاش کردند، اینها شدند «أَنْعَمْتُ عَلَيْهِمْ».

یک عده هم از این نعمت، در جهت خلاف حاکمیت بقیه الله و حاکمیت صالحان بر جهان، استفاده کردند. «مَغْضُوبٍ عَلَيْهِمْ» شدند.

یک عده مثل اروپایی‌ها، فقط برای لذت مادی خودشان از این نعمت‌ها استفاده کردند. آنها در جهت خلاف اراده خدا از نعمت‌ها استفاده نکردند تا با مسیر حاکمیت جهانی مقابله کنند. در مسیر هوای نفس خودشان استفاده کردند. اینها هم گمراهان‌اند. اما، ما نمی‌خواهیم نعمت‌هایی که به ما دادی، در جهت هوای نفس و لذت خودمان به کار بگیریم تا مثل ضالین بشویم و نمی‌خواهیم در جهت خلاف اراده تو به کار بگیریم، تا مغضوب علیهم بشویم.

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» ما می‌خواهیم مثل انبیاء و اولیاء و شهدا بشویم که هر چه به آنها دادی، در جهت تحقق حاکمیت دینی جهانی، در جهت حکومت امام زمان، در جهت رسیدن به عصر ظهور استفاده کردند. همان شرطی که با هم گذاشتیم، تدبیر و تفکر و تذکر، یادتان نرود. ان شاء الله. ما منتظر نتایج این تفکر و تدبیر و تذکری که ممکن است به ما بدهید می‌مانیم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.